



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

QUINCY INSTITUTE
FOR RESPONSIBLE
STATECRAFT

انتخاب‌پزشکیان و سیاست آمریکا

پس از مشارکت ۴۰ درصدی در دور نخست، پزشکیان توانست بخشی از رای‌دهندگان را که در دور اول در خانه مانده بودند به پای صندوق بکشاند و میزان مشارکت را به ۵۰ درصد افزایش دهد. کم‌اهمیت خواندن انتخابات ریاست‌جمهوری ایران توسط ناظران خارجی از این مسئله نشأت می‌گیرد که قدرتمندترین فرد در ایران نه رئیس‌جمهور، بلکه رهبری ایران، آیت‌الله علی‌خامنه‌ای است. این موضوع صحت دارد اما بدان معنا نیست که انتخاب رئیس‌جمهور مسئله‌ای بی‌اهمیت است. رئیس‌جمهور ایران یک مرکز قدرت به شمار می‌رود و در اتخاذ طیف گسترده‌ای از سیاست‌ها دارای نفوذ و تاثیرگذاری است. رویکردهای ایندولوپیک رؤسای‌جمهور قبلی از اصلاح‌طلب گرفته تا تندرو، همواره در سیاست خارجی تهران بروز و ظهور داشته است. مهمترین محصول تعامل بین ایران و غرب در سال‌های اخیر، یعنی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، تا حد زیادی نتیجه کار رئیس‌جمهور میانه‌رو سابق یعنی حسن روحانی و وزیر امور خارجه او، محمدجواد ظریف بوده است. اما نهاد قدرت نیز در این مسیر با روحانی و ظریف همراهی کرد. نهاد قدرت نیز از بهبود اقتصاد ایران در نتیجه لغو تحریم‌ها منتفع می‌شود. اکنون برای هرگونه تعامل و همکاری توپ در زمین غرب و به‌ویژه ایالات متحده است. سیاست‌گذاران آمریکایی برای تصمیم‌گیری درباره چگونه‌ضربه‌زدن به این توپ باید از یکی از واضح‌ترین تاریخچه‌های موفقیت و شکستی که می‌تواند در اختیار کارگزاران سیاست خارجی قرار بگیرد، بهره‌برند. در طی سه ساله که توافق برجام در حال اجرا بود (۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸) این توافق توانست به تمام اهداف عدم‌اشاعه خود و بستن تمام مسیرهای احتمالی دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای نائل شود. در واقع ایران تحت محدودیت‌های سختگیرانه در زمینه برنامه هسته‌ای اش قرار گرفت. در مقابل، از زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در می‌۲۰۱۸ از برجام خارج شد، گزینه جایگزین دولت آمریکا یعنی سیاست فشار حداکثری علیه ایران در تمام جنبه‌ها شکست خورد. تهران که از محدودیت‌های برجام رها شده بود، به برنامه هسته‌ای خود شتاب بخشید و به مرحله‌ای رسید که اکنون می‌تواند طی تنها چند روز یا چند هفته سوخت مورد نیاز برای ساخت یک سلاح هسته‌ای را تولید کند. برای هر کسی که به اتاق بیضی شکل کاخ سفید راه یابد، مهمترین مانع سیاسی‌ای که باید برای هرگونه تعامل جدی جدید با ایران بر آن فائق آید، بی‌اعتمادی شکل گرفته در ۴ دهه اخیر، نفوذ اسرائیل و این گزاره تکراری است که ایران اصلی‌ترین عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه است و تنها سزاوار انزوا و تنبیه است.

توجه دقیق به سیاست در ایران و دلایلی که این کشور مسیر منتهی به انتخاب پزشکیان را پیمود، به‌ویژه خواست و تمایل شهروندان ایرانی برای بهبود وضعیت اقتصادی و تاکید آنها بر لغو تحریم‌ها برای کمک به غلبه بر این موانع ضروری خواهد بود. مسئله هسته‌ای، به‌ویژه با توجه به وضعیتی که برنامه هسته‌ای ایران پس از خروج اشتباه ترامپ از برجام پیدا کرده به وضوح اولین و مهمترین اولویت برای سرگیری تعاملات است. اما سایر مسائل مرتبط با منازعات و بی‌ثباتی منطقه‌ای نیز باید مورد توجه قرار گیرند. تا زمانی که اسرائیل به حملات خود به نوار غزه ادامه می‌دهد، این مسئله چالش‌برانگیز خواهد بود. اما مذاکرات میان ایران و آمریکا، هم‌راستا با تلاش‌های اخیر دولت‌های حاشیه خلیج فارس برای کاهش تنش‌ها میان خودشان خواهد بود. عدم تخریب این فضای منطقه‌ای مساعد دلیل دیگری است که ایجاد می‌کند ایالات متحده از پذیرش یک موافقتنامه امنیتی با عربستان که از سوی بسیاری، نه از سوی همه ایرانیان، به‌عنوان بخشی از اتحاد نظامی ضد ایرانی تعبیر خواهد شد. هرگونه تعامل جدید بین ایالات متحده با ایران، در سمت ایران از آن منحنی طولانی‌یادگیری‌ای که دولت ریسی پس از روی کار آمدن در سال ۲۰۲۱ به نمایش گذاشت لطمه نخواهد دید. ظاهر اصلی‌ترین طرح سیاست خارجی دولت پزشکیان ظریف است که در دوران وزارت خود و در جریان مذاکرات برجام تعاملات گسترده‌ای با طرف‌های آمریکایی داشت.

تاریخ
دیپلماسی



نبرد سلطان‌آباد که با پیروزی عباس‌میرزا بر نیروهای روسیه تزاری همراه بود. این نقاشی حمله عباس‌میرزا را نمایش داده است.

نقش قدرت‌های جهانی در عقد صلح‌نامه گلستان

جدایی قفقاز از ایران

به کمک به ایران بودند، عهدشکنی کردند. همین امر بعدها پایه‌گذار قرارداد فین‌کن‌اشتاین بین دولت ایران و فرانسه در سال ۱۸۰۵ گردید.

فتحعلی‌شاه قاجار به سه دلیل عهدشکنی انگلیسی‌ها، تلافی عهدشکنی انگلیسی‌ها و اعتقاد به شکست‌ناپذیری ارتش روس بدون کمک نظامی خارجی طرح دوستی فرانسه را پذیرفت. اما قراردادهای فین‌کن‌اشتاین نیز ره به جایی نبرد. حاکم اصفهان محمدحسین‌خان صدر اصفهانی و پسرش عبدالله‌خان، که هر دو جیره‌خوار انگلیس بودند، مأمور شدند تا از پیشرفت کار فرانسوی‌ها جلوگیری کنند. بنابراین فرانسوی‌ها در فضای مملو از دسیسه و کارشکنی انگلیسی‌ها و عمال داخلی برخی از ایرانیان فریب‌خورده وضعی بس دشوار را سپری می‌کردند و در نهایت قرارداد تسلیت بین روس و ناپلئون در سال ۱۸۰۷ میلادی و قرارداد فین‌کن‌اشتاین باعث شد تا عباس‌میرزا فرمانده سپاه ایران شرایط صلح روس‌ها که شرایط بسیار بهتری نسبت به پایان جنگ و قرارداد گلستان وجود داشت را به دست نیاورد. اساس عهدنامه تسلیت در ایران چنان بود که دولت ایران که خود را برای مقابله با روسیه مهیا می‌کرد، در سخت‌ترین شرایط به حال خود واگذار کرد.

قرارداد تسلیت هم تهدیدی شد برای ایران زیرا که ارتش روس از جبهه اروپا آزاد شده بود، به جبهه قفقاز و جنگ با ایران اعزام گردید و هم تهدیدی علیه انگلستان گردید. بنابراین انگلستان و ایران با قرارداد جدید ۱۸۰۹ مجمل مجدداً به هم رسیدند. البته دلایل دیگری نیز در پذیرش قرارداد مجمل از سوی ایران وجود داشت؛ اول نیروی دریایی انگلیس که تشدید تهدیدات خود را در خلیج فارس گراوری کرده بود و تهدید به تصرف جنوب ایران کرده بود. دوم حمایت انگلیس از یکی از نوادگان خاندان زند که مدعی تاج و تخت بود و آغازگر هرج و مرج در ایران شده بود.

ارتش ایران توان دفاع از جنوب و شمال کشور را به طور همزمان نداشت. اما قرارداد مجمل نیز جز زبان چیزی را عاید ایران نداشت. با انعقاد قرارداد مجمل ایران پذیرفت که کلیه قراردادهای سابق با دول خارجی را لغو نماید. به این ترتیب قرارداد فین‌کن‌اشتاین ملغی شده و تلاش‌های فرانسه جهت برقراری صلح روسیه با ایران بی‌نتیجه ماند. در این مدت نیز روس‌ها برای مذاکره درباره صلح پیشنهادهایی دادند. اما سر هارفورد جونز و درباریان سرسپرده انگلیسی نهایت مدعی و تلاش خود را به کار

دوم و آقامحمدخان بر سر گلستان درگیر شده بودند. این رویداد با اهداف استعماری انگلیس منافات داشت. اما بزرگ‌ترین تهدید علیه انگلستان زمانی رخ می‌دهد که پل اول از ناپلئون شکست می‌خورد و با ناپلئون پیمان اتحاد و دوستی می‌بندد. از این پس روس‌ها نیز به دنبال یافتن راهی به سوی هند شدند. بنابراین موضوع تغییر سیاست روس‌ها در قبال ایران و فرانسه و افزایش سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه به طرف هند تبدیل به یک مشغله فکری و دائمی در لندن گردید. نقشه حمله زمینی توسط ارتش متحد روس و فرانسه به هندوستان از نظر انگلیسی‌ها غیرقابل دفاع و بسیار پرهزینه بود و عملاً به خاطر بُعد مسافت انتقال سریع نیروهایش امکان‌پذیر نبود. بنابراین بهترین راه حل دفاع از هندوستان جلوگیری از عبور ارتش متجاوز از خاک ایران و بستن مسیر رسیدن به دروازه هند بود و به این دلیل ساده پای ایران به معادلات سیاسی و رقابت‌های استعماری دول اروپایی باز شد که نتیجه آن به انعقاد معاهدات تجزیه‌طلبانه علیه ایران که یکی از آنها صلح‌نامه گلستان بود ختم شد.

با عقد قرارداد گلستان در سال ۱۸۱۳ م، ایران سه قرارداد سیاسی و نظامی با انگلیس به ترتیب در سال ۱۸۰۱ به نمایندگی سر جان ملکم، در سال ۱۸۰۹ به نمایندگی سر هارفورد جونز و در سال ۱۸۱۲ به نمایندگی سر گور اوزلی با انگلستان امضا می‌کند که قرارداد سوم به امضاء انگلستان رسید. مهمترین هدف دولت ایران از انعقاد این قرارداد دریافت کمک‌های نظامی و مالی در حین جنگ با یک کشور خارجی بود.

اقدامات پل اول از قبیل صلح با ایران، سپس صلح با ناپلئون دشمن شماره یک انگلیس و در نهایت نقشه حمله به هندوستان، انگلیسی‌ها را مجبور به واکنش سریع نسبت به سیاست‌های پل اول کرد. در این راستا انگلستان اقدام به انعقاد قراردادهای سال ۱۸۰۱ با ایران و قتل دسیسه‌چینی در قتل پل اول امپراتور روس نمود که اعتمادالسلطنه در کتاب منظم ناصری شرح واقعه را ضبط نموده است. با مرگ پل اول و جلوس الکساندر اول نقشه سیاست‌های خارجی روسیه به کلی عوض شد. ابتدا با انگلیس‌ها روابط هند را برقرار نمود، ایران اعلان جنگ داد و دوستی با دولت فرانسه میدل به دشمنی شد.

آغاز جنگ‌های ایران و روس

پس از شروع جنگ‌های دوره اول ایران و روس در سال ۱۸۰۳ م، به‌رغم آنکه انگلیسی‌ها براساس ۱۸۰۱ م متعهد



محسن یگانه

پژوهشگر روابط خارجی

صلح‌نامه گلستان میان ایران و روسیه تزاری که نخستین قرارداد استعماری و تحمیلی به دولت ایران در دوران جدید است، در زمان خود از سوی ایرانیان به‌عنوان یک قرار صلح و آتش‌بس تلقی شد که نیاستی رنگ دائمی به خود بگیرد اما در قرارداد ترکمنچای واقعیت تلخ خود را به جامعه ایرانی تحمیل کرد و بخش‌های مهمی از قلمرو حکومت قاجاری را از ایران جدا کرد. این صلح‌نامه با وساطت و شراکت بریتانیا به ایران تحمیل شد.

تحولات جهانی و بی‌خبری در ایران

پس از بروز انقلاب صنعتی عظیم در انگلستان و سرایت آن به سایر ممالک اروپای غربی، منظور اصلی آنان از مناسبات با شرق تجسس بازار برای مصرف صنوعات صنعتی و به کار انداختن سرمایه‌های خود بود. سودای تحصیل انحصاری تجاری کالای پزارش ادویه که به بهای جواهر در بازار اروپا به فروش می‌رسید، دسترسی به معادن طلا و سایر معادن پرارزش کالاهای دیگر از قبیل پارچه‌های فاخر، مصنوعات ظریف شرقی و بازار مصری بزرگ هند، باعث رقابت دول استعماری بر سر هند گردید و با ظهور ناپلئون در اروپا و از سوی دیگر سلطه کمپانی هند شرقی بر هند این رقابت بین دو قدرت استعماری آن سال‌ها یعنی انگلستان و فرانسه محدود شد.

تشدید این رقابت در نیمه سده هجدهم میلادی در آسیا به‌ویژه اقیانوس هند و خلیج فارس به ناچار ایران را در گردونه سیاست بین‌المللی داخل نمود. اعزام سفیران فرانسوی برای عقد قرارداد با آقامحمدخان در سال ۱۷۹۵ میلادی و قیام تیپو سلطان در هند که از حمایت فرانسویان و کمک افغان‌ها برخوردار بود و همچنین فعالیت فرانسویان در خلیج فارس، انگلیسی‌ها را به فکر استفاده از ایران به‌عنوان سدی در جهت حفظ هند انداخت. تقاضای واگذاری ایالت خراسان از سوی فرمانروای جوان افغانستان از فتحعلی‌شاه قاجار موجبات اقامت سفیر کمپانی و انگلیس در تهران شد که تا این زمان چنین اجازه‌ای به آن دولت داده نشده بود.

به قدرت رسیدن پل اول در روسیه منجر به صلح و اتحاد بین ایران و روسیه شد که پیشتر و در زمان کاترین